

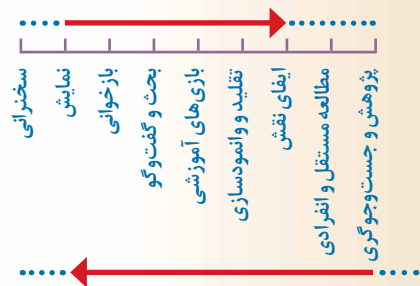
## اثر بخشی روش تدریس معلم در میزان فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان

♦ گرایش به سوی آموزش و یادگیری فعال و پویا؛  
♦ توجه به تفاوت‌های فردی و شخصیت مستقل هر دانش‌آموز و تمرکز بر آن‌ها؛  
♦ گرایش به تفکر و تجزیه و تحلیل خواننده‌ها و آموخته‌ها؛  
♦ گرایش به کاربرد ابتکاری آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید؛  
اینک، با اندکی تأمل و دقت دربارهٔ مجموعه نگرش‌های جدید آموزشی، به خوبی می‌توان نتیجه گرفت آموزش با رویکرد معلم‌محوری، در حال گذر به رویکرد دانش‌آموز‌محوری است که در آن تمام یا بخشی از مسئولیت یادگیری به عهدهٔ خود دانش‌آموز است و معلم بیشتر نقش سازمان‌دهنده، راهنما و مدیر یادگیری را ایفا می‌کند. در این رویکرد، دانش‌آموز دیگر مطالب درسی را حفظ نمی‌کند. او فردی است فعال که در همهٔ فعالیت‌های درسی و کلاسی شرکت می‌کند، وظایف و مسئولیت‌های یادگیری خود را به خوبی می‌داند و آن‌ها را تا جایی که می‌تواند انجام می‌دهد و در صورت لزوم از معلم یاری می‌خواهد.

نتیجه اینکه دو رویکرد آموزشی معلم‌محور و دانش‌آموز‌محور، به سبب تفاوت‌های اساسی در مبانی نظری، شیوه‌های دسترسی به اهداف آموزشی، نوع فعالیت‌های آموزشی معلم و دانش‌آموز، هر کدام متناسب با رویکرد آموزشی خود، لزوماً از روش‌های تدریس خاصی بهره می‌گیرند. در واقع، روش تدریس نشان‌دهندهٔ رویکرد آموزشی معلم است. به کلامی دیگر، انتخاب روش تدریس، حاکی از میزان ارائهٔ اختیار به دانش‌آموز در یادگیری است. برای درک بهتر موضوع، روش‌های اصلی تدریس را براساس تجربه‌های جهانی معلمان روی یک پیوستار نشان می‌دهیم:

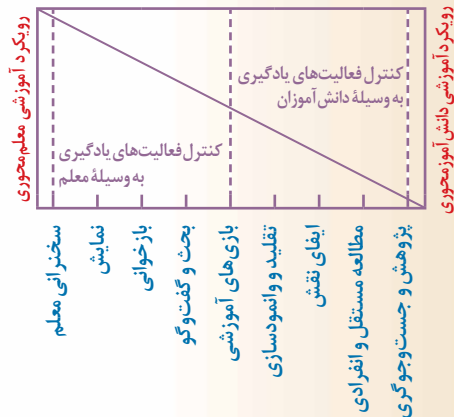
پیش از آنکه دربارهٔ اثربخشی روش‌های تدریس در میزان فعالیت‌های یادگیری و درک و فهم دانش‌آموزان بحث کنیم، لازم است به اهمیت و ضرورت نگرش‌های جدید آموزشی نگاهی بیندازیم. امروزه، به سبب نفوذ علوم و تکنولوژی در زندگی روزمره، و نیاز جوامع به مشاغل و حرفه‌های جدید و پیشرفت علوم تربیتی و روان‌شناسی یادگیری، در عمل شیوه‌های تدریس، اهداف و چشم‌اندازهای آموزشی و تربیتی تغییر کرده‌اند و نگرش‌های آموزشی نو شده‌اند.

محور اصلی نگرش‌های جدید آموزشی بر چگونگی یادگیری و تأثیر آموخته‌ها بر زندگی کودک، بررسی نیازهای آموزشی و تربیتی او، کشف روش‌ها و راهبردهای ابتکاری و جدید، توسعهٔ امکانات آموزش فردی، و مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی، از اهمیت خاصی برخوردارند. در واقع، با اعمال نگرش‌های جدید، نظام آموزشی متحول می‌شود و چشم‌اندازها و فعالیت‌های تازه‌ای پیش پای مدرسه‌ها گشوده می‌شوند. از این‌رو، مدرسه‌های قرن بیست‌ویکم می‌کوشند نسل آینده را برای تحصیلات بالاتر و قبول مسئولیت‌های بزرگ اجتماعی تربیت و آماده کنند. در این جریان فکری، برخی نگرش‌های آموزشی مورد توجه عبارت‌اند از:



چنانکه پیوستار نشان می‌دهد، هر چه از روش سخنرانی معلم به شیوه پژوهش و جست‌وجوگری پیش می‌رویم، از میزان کنترل و اختیارات معلم بر فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموز کاسته می‌شود و بر عکس، هر چه از روش پژوهش و جست‌وجوگری به سوی روش سخنرانی می‌آییم، بر میزان فعالیت و اختیارات معلم در کنترل یادگیری افزوده می‌شود. به عبارت دیگر، چنانچه معلم از روش سخنرانی در آموزش استفاده کند، دانش‌آموز کمترین فعالیت یادگیری مستقل را در کلاس خواهد داشت و بر عکس، اگر معلم از روش تدریس پژوهش و جست‌وجوگری استفاده کند، دانش‌آموز بیشترین فعالیت یادگیری مستقل را در کلاس انجام خواهد داد. در حالت اول، معلم از روش تدریس معلم‌محور و در حالت دوم از روش تدریس دانش‌آموز محور استفاده کرده است.

حال، دو رویکرد آموزشی معلم‌محوری و دانش‌آموز محوری را در یک نمودار نشان می‌دهیم.



اکنون می‌توانید:

- ♦ میزان اثربخشی روش‌های تدریس را در فعال کردن یادگیری مشخص کنید (خطوط نقطه‌چین دو نمونه از این اثربخشی هستند).
- ♦ درباره اثربخشی روش تدریس خود در فعال کردن یادگیری دانش‌آموزان قضاوت کنید.
- ♦ درباره رویکرد خود نسبت به آموزش تصمیم بگیرید.
- ♦ روش تدریس مناسب با اهداف آموزشی را با اطمینان انتخاب کنید.
- ♦ ویژگی‌های روش‌های تدریس فعال و غیرفعال را مقایسه کنید.
- ♦ ابزارهای مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تهیه کنید.

و...

در پایان پیشنهاد می‌شود:

اگر می‌خواهید نسل آینده کشورمان خردمندانه بیندیشد، و به کسب مهارت‌ها و صلاحیت‌های علمی، اجتماعی، اخلاقی و عملی علاقمند باشد، در آموزش‌های خود از رویکرد دانش‌آموز محوری و روش‌های تدریس فعال استفاده کنید؛ چرا که:

۱. کیفیت آموزش بسیار مهم‌تر از کمیت آن است.
۲. زیاد خواندن دانایی نمی‌آورد، دانایی زاده تفکر و تأمل است.
۳. برای موفقیت در دنیای امروز، دانایی صرف، کافی نیست. توانایی استفاده از آموخته‌های علمی هم شرط است.
۴. یادگیری زمانی مفید و ارزشمند است که با مسائل زندگی روزمره پیوند مستقیم داشته باشد.

**ابوعلی سینا، حکیم بزرگوار و خردمند ایرانی،**

می‌گوید:

«اگر کسی مطلبی را بخواند و یا بشنود و درباره آن تفکر و تأمل نکند، به فطرت انسانی خود خیانت کرده است.»

آیا ما نمی‌توانیم این گفتار حکیمانه را چشم‌انداز فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه‌های خود قرار دهیم؟!

رکتر عادل یغما